

Newly Discovered Petroglyphs of Khanim Alilou Meshkinshahr Site (Northwest of Iran)

Saeid Sttarnezhad^{1*}, Siavash Abdollahi¹

1. PhD Student, Department of Archeology, Faculty of Literature and Humanities, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2021/01/17;

Accepted: 2021/02/28;

Published Online 2021/03/20

 10.30699/athar.41.2.206

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Saeid Sttarnezhad

PhD Student, Department of
Archeology, Faculty of Literature
and Humanities, University of
Mohaghegh Ardabili, Ardabil,
Iran

Email:

saeidsattarnejad@yahoo.com

ABSTRACT

Lithography is one of the oldest surviving human arts in history. In different parts of Iran, a number of rock designs have been identified and introduced so far, some of which are located in the geographical area of northwestern Iran. So far, various Petroglyphs have been identified and introduced in this area; in the meantime, the share of Meshkinshahr city is very significant. In this city, the number of areas with Petroglyphs has been identified, documented and introduced so far. In 2016, the authors identified, examined and documented a number of Petroglyphs while conducting a field study of Ms. Alilou's site in Meshkinshahr identifying, reviewing and documenting about 300 Petroglyphs. In the present study, the authors use a field and library method based on descriptive-comparative studies looking for answers to the following questions. 1- How many types of Khanim Alilou's Petroglyphs can be divided into themes? 2- Based on relative chronology, to what periods do these paintings belong? In answer to the above questions, the drawings are divided into 3 general categories of human, animal and geometric motifs; also, based on the relative chronology of these paintings, between the first millennium BC. They were created until the Parthian period and the beginning of Islam. The results of this study can be used to complete the lithographic information of the northwestern part of Iran, especially the city of Meshkinshahr.

Keywords: Petroglyph, Khanim Alilou, Nomads, Typology, Theme

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

How to Cite This Article:

Sttarnezhad, S., Abdollahi, S. (2020). Newly Discovered Petroglyphs of Khanim Alilou Meshkinshahr Site (Northwest of Iran). *Athar*, 41 (2): 206-215

سنگ‌نگاره‌های نویافته خانم علیلو مشکین‌شهر (شمال غرب ایران)

سعید ستارنژاد^{*}، سیاوش عبدالهی^۱

۱. دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۸

پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰

انتشار آنلاین: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

نویسنده مسئول:

سعید ستارنژاد

دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی،
دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق
اردبیلی، اردبیل، ایران

پست الکترونیک:

saeidsattarnejad@yahoo.com

خلاصه

سنگ‌نگاره‌ها به‌عنوان یکی از کهن‌ترین هنرهای باقی‌مانده از انسان در طول تاریخ است. در مناطق مختلف ایران، تاکنون شماری نقوش صخره‌ای شناسایی و معرفی شده که تعدادی از این آثار در پهنه جغرافیایی شمال غرب ایران قرار دارد. تاکنون در این منطقه، سنگ‌نگاره‌های مختلفی شناسایی و معرفی شده که در این میان سهم شهرستان مشکین‌شهر بسیار چشم‌گیر است. در این شهرستان تاکنون ۹ محوطه دارای سنگ‌نگاره شناسایی، مستندنگاری و معرفی شده است. نگارندگان در سال ۱۳۹۵ ضمن بررسی میدانی از محوطه خانم علیلو از توابع مشکین‌شهر، ۳۰۰ سنگ‌نگاره در صحنه‌های مختلف را شناسایی، بررسی و مستندنگاری کردند. در پژوهش حاضر، نگارندگان به روش میدانی و کتابخانه‌ای که اساس آن مطالعات توصیفی - تطبیقی است، به‌دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر بودند که ۱. سنگ‌نگاره‌های خانم علیلو از نظر نقش‌مایه، به چند گونه قابل تقسیم هستند؟ ۲. این نگاره‌ها براساس گاه‌نگاری نسبی متعلق به چه دوره‌هایی است؟ در پاسخ به پرسش‌های فوق، نگاره‌ها به ۳ دسته کلی نقش‌مایه انسانی، حیوانی و علائم و نشانه تقسیم می‌شوند؛ همچنین براساس گاه‌نگاری نسبی این نگاره‌ها در حدفاصل هزاره اول ق. م تا دوران اشکانی و اوایل اسلام ایجاد شده‌اند. نتایج این پژوهش می‌تواند در تکمیل اطلاعات سنگ‌نگاره‌های حوزه شمال غرب ایران، به‌خصوص شهرستان مشکین‌شهر مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: سنگ‌نگاره، خانم علیلو، کوچ‌روی، گونه‌شناسی، نقش‌مایه

حق کپی‌رایت انتشار: این نشریه دارای دسترسی باز است و تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (بازترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

ستارنژاد، سعید، عبدالهی، سیاوش (۱۳۹۹). سنگ‌نگاره‌های نویافته خانم علیلو مشکین‌شهر (شمال غرب ایران). فصلنامه علمی اثر،

۴۱ (۲): ۲۰۶-۲۱۵

مقدمه

بررسی‌های منسجم باستان‌شناختی دربارهٔ هنر صخره‌ای در مشکین‌شهر، آمار دقیق از تعداد محوطه‌ها و الگوی پراکندگی آن در دست نیست. نگارندگان در بررسی‌های سال ۱۳۹۵ از محوطهٔ خانم علیلو از توابع مشکین‌شهر، تعدادی سنگ‌نگاره شناسایی کردند. پژوهش حاضر، نتایج این بررسی است که نگارندگان به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستند که ۱. سنگ‌نگاره‌های خانم علیلو از نظر نقش‌مایه، به چند گونه قابل تقسیم هستند؟ ۲. این نگاره‌ها براساس گاه‌نگاری نسبی متعلق به چه دوره‌هایی است؟ در این پژوهش تلاش شده است تا به سؤالات فوق، پاسخ‌هایی مستند و منطقی ارائه شود. نتایج این مطالعات می‌تواند در تکمیل بخشی از اطلاعات هنر صخره‌ای شمال غرب ایران، به‌خصوص شهرستان مشکین‌شهر کمک شایانی کند.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، متکی به بررسی‌های باستان‌شناختی از محوطهٔ خانم علیلوست. در این مرحله، نگارندگان با پیمایش محوطه اقدام به مستندنگاری تخته‌سنگ‌های واجد شرایط (دارای نقش‌مایه) شامل تعداد سنگ‌های منقوش، موقعیت و محل قرارگیری نقوش، نوع نقش، فن به‌کاررفته، ابعاد و عمق نقوش، گونه‌شناختی، سبک‌شناسی و غیره در قالب فرم مخصوص، تهیه ثبت و ضبط آنها کردند. سپس اطلاعات لازم محوطه، مانند موقعیت محوطه از نظر دسترسی به منابع غذایی و آب، مسیرهای ارتباطی و محوطه‌های اطراف به‌طور دقیق ثبت شدند. در مرحلهٔ بعد که اساس آن مطالعات کتابخانه‌ای بود، نتایج حاصل از بررسی میدانی، مورد تجزیه و بررسی قرار گرفتند. در این مرحله، با بهره‌گیری از نرم‌افزار AutoCAD نگاره‌ها طراحی شدند. همچنین برای دستیابی به نتایج پژوهش، از روش توصیفی و مقایسه‌ای استفاده شد که در این مرحله، به مقایسهٔ نگاره‌های این محوطه با سایر مناطق پرداخته شده است.

هنر صخره‌ای به‌عنوان یکی از کهن‌ترین هنرهای باقی‌مانده از انسان در طول تاریخ است. این هنر در بسیاری از جوامع، فرهنگ‌ها و تمدن‌ها به‌عنوان ابزاری برای بیان افکار و اعتقادات (Sheikh Akbarizadeh, Amir Hajloo & Arab, 2014, P. 196) و آیین‌ها و مذاهب یک فرهنگ (Gillette et al., 2014, P. 1) به کار گرفته شده است. تاکنون تعداد قابل‌توجهی از این آثار، در آسیا، آفریقا، اروپا، آمریکا و حتی استرالیا کشف و معرفی شده‌اند (Mohammadifar & Hemmati Azandariani, 2015, P. 224). هنر صخره‌ای از آنجایی که با زیبایی‌شناسی و نمادگرایی انسان‌های گذشته مرتبط بوده (David, 2013, P. 3) باعث شده است تا این هنر از جنبه‌های گوناگون، در علوم مختلف از نظر باستان‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی، نمادشناسی، اسطوره و غیره مورد پژوهش قرار بگیرد. در مناطق مختلف ایران تاکنون سنگ‌نگاره‌های مختلفی شناسایی و معرفی شده‌اند. پراکنش و تعداد نسبتاً بالای این آثار در نجد ایران، نشان می‌دهد که این منطقه، یکی از کانون‌های مهم در مطالعات هنر صخره‌ای در جهان است.

منطقهٔ شمال غرب ایران، مانند سایر مناطق کشور به‌دلیل غنای فرهنگی، دارای آثار و شواهد فرهنگی فراوانی بوده که همواره مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (Satamezhad et al., 2020, P. 56). در این منطقه، شهرستان مشکین‌شهر در زمینهٔ هنر صخره‌ای نسبت به سایر مناطق، جامعهٔ آماری نسبتاً بالایی را به خود اختصاص داده است؛ به‌طوری‌که در این شهرستان، سنگ‌نگاره‌های چون شهریری (Pourfaraj, 2007; Horshid, 2009)، شیخ‌مدی (Kazemi et al., 2016 a)، مشیران (Binnadeh & Fatahzadeh, 2016)، گیلر محمدحسن، نوقدو و دده‌بیگلو (Kazemi & Rezaloo, 2019) و قافله قطار چهارچمن (Abdolahi et al., 2021) شناسایی و معرفی شده است. جامعهٔ آماری سنگ‌نگاره‌های این منطقه نسبت به سایر مناطق شمال غرب ایران نشان می‌دهد که شهرستان مشکین‌شهر به‌خصوص حوزهٔ رودخانهٔ قره‌سو یکی از کانون‌های مهم در مطالعات سنگ‌نگاره‌هاست؛ با این حال به‌دلیل نبود

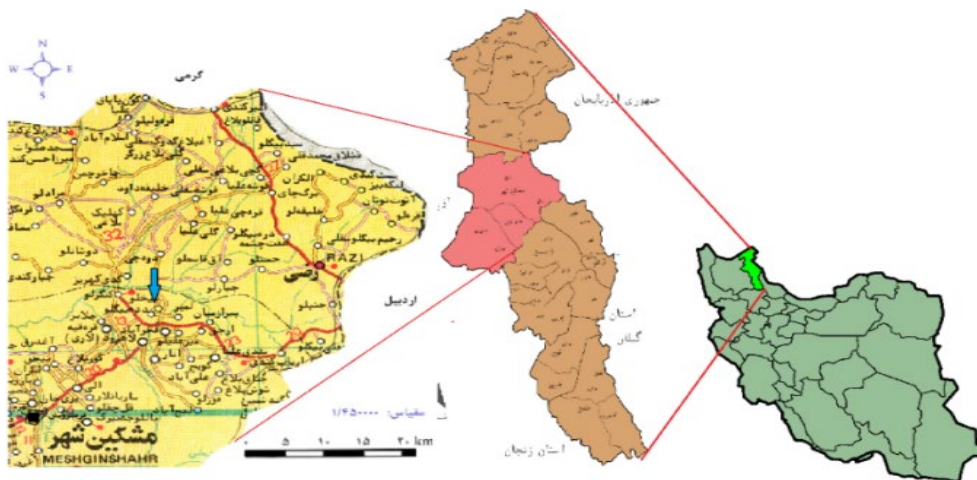
پیشینه پژوهش

مطالعات هنر صخره‌ای یا به‌طور کلی سنگ‌نگاره‌ها در ایران عموماً از سال ۱۹۵۸ میلادی آغاز شد. در این سال‌ها، هیئتی ایتالیایی در منطقه بلوچستان مشغول فعالیت کشف و استخراج مواد معدنی بودند که تعدادی از نقوش صخره‌ای را در ناحیه گرو کشف و شناسایی کردند (Dessau, 1960). ایزدپناه (۱۹۷۰)، از نخستین پژوهشگران ایرانی است که گزارش‌هایی درباره نقوش صخره‌ای برخی از غارهای کوه‌دشت لرستان ارائه کرده است. بورنی نیز در سال ۱۹۶۹ نقوش صخره‌ای دوشه و میرملاس را بررسی کرده است (Burney, 1970). در سال‌های اخیر، روند مطالعه این آثار رشد چشمگیری پیدا کرده و تاکنون مقالات، پایان‌نامه، طرح‌های پژوهشی، کتاب و گزارش‌های بررسی و خبری درباره سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف ایران منتشر شده است. مطالعات مربوط به هنر صخره‌ای شمال غرب ایران نسبت به سایر مناطق اندکی دیرتر آغاز شد. نخستین اطلاعات مکتوب از این آثار مربوط به نتایج پژوهش‌های جلال‌الدین رفیع‌فر بوده که تعدادی سنگ‌نگاره در شهرستان ورزقان (محوطه سونگون) و هوراند (محوطه لیقلان) شناسایی و معرفی کرده است (۲۰۰۳، ۲۰۰۵). پس از آن محوطه‌های مختلفی در این منطقه شناسایی و معرفی شده‌اند (Satarnezhad et al., 2020). براساس نتایج پژوهش‌های ارائه‌شده از شهرستان مشکین‌شهر، سنگ‌نگاره‌های محوطه شهریری به‌عنوان نخستین آثار هنر صخره‌ای است که شناسایی و معرفی شده‌اند (Pourfaraj, 2007). این آثار در قالب مقاله‌ای با عنوان «سنگ‌نگاره‌های شهریری» ارائه شده است (Horshid, 2009). پس از آن محوطه‌های شیخ‌مدی (Kazemi et al, 2016)

(a)، مجموعه داش (Kazemi et al., 2016 b)، مشیران (Binandeh & Fatahzadeh, 2016)، دده‌بیگلو، گیلر محمدحسن و نوغدو (Kazemi & Rezaloo, 2019) و قافله قطار (Abdolahi et al., 2021) شناسایی و معرفی شده‌اند. سنگ‌نگاره‌های محوطه خانم علیلو برای نخستین بار توسط نگارندگان شناسایی شده است. نتایج این پژوهش می‌تواند در تکمیل نقشه پراکندگی محوطه‌های دارای سنگ‌نگاره، جامعه آماری، تعداد و نوع نقش‌مایه‌ها و مهم‌تر از همه تجزیه و تحلیل‌های احتمالی که در آینده قرار است روی این آثار انجام شود، کمک شایانی کند.

موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

مجموعه نقوش صخره‌ای خانم علیلو میان دو روستای خانم علیلو و ملالو و شهرستان مشکین‌شهر از توابع استان اردبیل قرار دارد (شکل ۱). این محوطه در شرق روستای ملالو و شمال روستای خانم علیلو در قسمت فوقانی کوه، بر روی سنگ‌های سیاه روغنی واقع شده است. شهرستان مشکین‌شهر در دامنه‌های شمالی کوهستان سبلان قرار دارد. آب و هوای این منطقه معتدل بوده و به سخن حمدالله مستوفی «... آب و هوای خیاو معتدل و رو به گرمی است» (Mostofi, 2003, P. 94). وجود منابع آبی کافی و دمای مناسب باعث رشد گیاهان متنوع در این منطقه شده است (Saidi, 1975, PP. 43-44). همین عوامل باعث شکل‌گیری و رونق جامعه کوچ‌رو (عشایر) بدون استقرار دائم در این منطقه بوده است. براساس مطالعات بررسی‌های باستان‌شناختی انجام‌شده در این منطقه، الگوهای استقراری عموماً به شکل قلعه‌سازی بوده است (Karimi, 2016). (Gharakhanbeyglou, 2016).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه
منبع: Cultural Heritage Archive, 2021



شکل ۲. دورنمایی از محوطه خانم علیلو
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

تمامی این نگاره‌ها به روش کوبشی و با واردآوردن ضربه‌های متوالی، یا ایجاد خراش با جسمی تیز بر بدنه سنگ در اثر کوبیدن سنگ ایجاد شده‌اند. برخی از نقش‌ها با همین روش، اما به صورت توپر اجرا شده‌اند. اندازه خطوط نگاره‌ها از ۱/۵-۱ میلی‌متر متغیر است. عمق و تفاوت رنگ و چگونگی فرسایش نقش‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند در گاه‌نگاری و تقدم و تأخر ایجاد نگاره‌ها مورد نظر قرار بگیرند. عمق و رنگ نقش‌ها حتی برخی که در یک صحنه قرار دارند، با یکدیگر متفاوت هستند؛ بدین صورت که عمق برخی به علت مرور زمان و تأثیر عوامل طبیعی به قدری فرسایش یافته که تقریباً با صخره هم‌سطح شده، یا اینکه سطح برخی دیگر با زمینه صخره هم‌رنگ شده و به راحتی قابل‌رؤیت نیستند. این تغییر رنگ نگاره‌ها، عموماً نشانگر تقدم و تأخیر نقش‌هاست.

محوطه خانم علیلو

محوطه خانم علیلو در مختصات جغرافیایی ۴۲۹۲۱۷۶ و ۰۷۴۲۱۷۱" با ارتفاع ۱۳۴۴ متری از سطح دریا، در دشت حاصلخیز واقع در دامنه کوه و مجاورت منابع آبی مختلف همچون رودخانه فصلی یا مسیل‌هایی که به طرف دشت ارشق منتهی می‌شوند، واقع شده است. سنگ‌نگاره‌ها در حاشیه رودخانه فصلی بر روی تخته‌سنگ‌های گرانیتی سیاه‌رنگ ایجاد شده‌اند (شکل ۲). ابعاد و اندازه تخته‌سنگ‌ها متغیر بوده و بزرگ‌ترین آن‌ها در حدود ۳×۳ متر و بیشترین ضخامت آن ۱ متر است. نقوش بر روی سطح صاف سنگ‌ها که رنگ سیاه و روغنی براق دارند، ایجاد شده‌اند. نمای قرارگیری نقوش روی سنگ‌ها تابع نظم و قاعده خاصی نبوده و در جهت‌های مختلف قرار دارند. نقش‌مایه‌ها مشتمل بر نقوش انسانی، حیوانی، علائم و نشانه‌هاست. در این بین، نقوش حیوانی و به‌خصوص بز کوهی با شاخ‌های بلند چسبیده به دم، مانند سایر مناطق، بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است. در مجموع ۳۰۰ نقش‌مایه به ترتیب در گروه‌های حیوانی (۲۸۹ نقش)، انسانی (۴ نقش)، اسب و سوارکار (۳ نقش)، حیوان وحشی یک مورد و علائم و نشانه‌ها در ۳ نقش شناسایی شده‌اند.

Rafi'far, (2005, P. 120), قوشاداش سونگون ارسباران (Kazempur, Eskandari & (2003, P. 54) دوزداغی اهر (Horshid, 2009, P. 386) (Shafizade, 2011, P. 82), قوناق قیران بخش مرکزی اردبیل (List of Heritage) (Kazemi et al., 2012, PP. 15-16) (Registers), شیخ‌مدی (Kazemi et al., 2016 a, P. 21) مجموعه داش مشکین شهر (Mohammadi (2016 b, P. 324), خره هنجیران مهاباد (Qasrian & Naderi, 2008, P. 63), عقربلو شاهین‌دژ (Binandeh, P. 14) (Horshid, 2009, P. 83), ارگس همدان (Bikmohammadi, Janjan & Bikmohammadi, 2013, P. 130) (Azandaryan et al., 2015, P. 204) (Kazemi & Rezaloo), گیلر محمدحسن (Satarnezhad et al., 2019, P. 253) (2020, P. 62) دوه دره‌سی هوراند و غیره است.

طبقه‌بندی نگاره‌ها

در بررسی نگارندگان از محوطه خانم علیلو، حدود ۷۰ تخته‌سنگ دارای نقوش شناسایی و مستندنگاری شد. نقش‌مایه در ۳ دسته حیوانی (بز، اسب، حیوان وحشی) ۲۹۰ انسانی (پیاده و سوارکار) تعداد ۷ علائم و نشانه ۳ نقش قابل‌دسته‌بندی است (شکل ۳). نقش‌مایه حیوانی به‌خصوص بز همانند سایر مناطق شناسایی‌شده در سایر مناطق و به‌خصوص شمال غرب ایران، بیشترین تعداد را دارد. گفتنی است هریک از این گونه‌ها، به زیرگروه‌هایی قابل‌دسته‌بندی بوده که مطالعات تطبیقی با محوطه‌های شناسایی‌شده در سایر مناطق شمال غرب ایران شباهت‌های میان آنها را قابل‌مشاهده کرده است.



شکل ۳. جامعه آماری تعداد نگاره‌ها

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹



شکل ۴. نمونه‌ای از نگاره بز در محوطه خانم علیلو

منبع: نگارندگان

نگاره حیوان بز

حیوان بز در نگاره‌های محوطه خانم علیلو در حالت‌های مختلف چون سکون، در حال قدم برداشتن، در حال مبارزه با یکدیگر و در حالت شکار و به‌صورت ردیفی پشت سر یکدیگر ایجاد شده است. بیشترین تعداد نقوش مانند دیگر محوطه‌های حاشیه رودخانه قره‌سو و نقاط دیگر ایران مربوط به بز کوهی با شاخ‌های بلند خمیده است که بیشتر به‌صورت استیلیزه و غیرطبیعی به نمایش درآمده‌اند. نقوش بز کوهی در تمامی تابلوها به‌صورت گله‌های حیوانی با دیگر حیوانات دیده می‌شوند (شکل ۴). با توجه به یافته‌های باستان‌شناختی، نقش بز تقریباً در تمامی مراکز باستانی حضور مستمر داشته است. درواقع در دوران پیش از تاریخ، انسان‌ها، بز را مظهر یکی از عوامل سودبخش طبیعت قلمداد می‌کردند (Bakhtortash, 1986, P. 9). نگاره بز محوطه خانم علیلو قابل‌مقایسه با نمونه‌هایی از سنگ‌نگاره‌های لقلان (Rafi'far,

نگاره انسانی

نقش انسان در سنگ‌نگاره‌های خانم علیلو، در حالت‌های مختلف ایجاد شده است. با توجه به شکل ظاهری نگاره، به نظر می‌رسد جنسیت نقش‌مایه، مرد بوده است. نگاره انسانی به دسته‌های زیر قابل طبقه‌بندی است:

الف) انسان سوارکار: این نگاره، انسانی اسب‌سوار را نشان می‌دهد که در حال مبارزه با حیوان وحشی است. انسان سوار بر اسب است و در دست راست خود ابزاری را که احتمالاً شمشیر باشد بالا گرفته است. در مقابل انسان سوارکار، حیوان وحشی ترسیم شده که روی دو پا در مقابل اسب ایستاده و حالت حمله به خود گرفته است (شکل ۵). نمونه‌های مشابه این نگاره در سنگ‌نگاره‌های کال چنگال قابل مشاهده است. وجود ابزار و اسب در این نگاره، برای گاه‌نگاری برخی صحنه‌ها کمک شایانی می‌کند.

ب) انسان پیاده: این نگاره، انسان‌های پیاده را نشان می‌دهد که به صورت خط‌های ساده ایجاد شده‌اند. هر دو دست رو به سمت بالا طراحی شده و بدون ابزار هستند. نمونه‌های مشابه این نگاره‌های در سنگ‌نگاره‌های محوطه شهریری (Horshid, 2009, P. 82)، شیخ‌مدی (Kazemi et al., 2016 a, P. 2)، مجموعه داش مشکین‌شهر (324: 2016)، مجموعه سفلی ملایر (Kazemi et al., Bikhmohammadi, 2013, P. 132)، قوشاداش ارسباران (سونگون) (Rafi'far, 2003, P. 54)، دوز داغی (Kazempur, Eskandari & Shafizade, 2011, P. 386)، مشیران (Binnadeh & Fatahzadeh, 2016, P. 3)، نوقدو مشکین‌شهر (Kazemi & Rezaloo, 2019, P. 253) و غیره قابل مشاهده است.



شکل ۵. نمونه‌ای از نگاره انسانی در سنگ‌نگاره‌های خانم علیلو
منبع: نگارندگان، ۱۳۹۹

نگاره علائم و نشانه‌ها

در مجموعه سنگ‌نگاره خانم علیلو، تعداد نگاره با مفهوم علائم و نشانه، نسبت به سایر نقش‌مایه‌ها، درصد پایینی دارد؛ به طوری که تنها ۳ نقش‌مایه شناسایی شد. این نگاره‌ها در اشکال دایره‌ای در مرکز آن یک خط قرار دارد. نگاره مربع و یک نقش شبیه به Y انگلیسی است (شکل ۶). نمونه‌هایی از این‌گونه اشکال در سنگ‌نگاره‌های محوطه قوشاداش ارسباران (سونگون) (Rafi'far, 2003, P. 54)، شیخ‌مدی (Kazemi et al., 2016 a, P. 21)، شهریری (Horshid, 2009, P. 82)، قوناق قیران (Ayatizadeh, 2014, P. 82)، دوه (2012, P. 18)، اسبقیه یزد (Satarnezhad et al., 2020, P. 63) و غیره شناسایی شده است.



شکل ۶. نمونه‌ای از
نقش‌مایه علائم و نشانه
در سنگ‌نگاره‌های خانم
علیلو. منبع: نگارندگان،
۱۳۹۹



گاه‌نگاری نگاره‌ها

گاه‌نگاری هنر صخره‌ای در برخی مناطق جهان از قبیل تیمور شرقی (Aubert et al., 2007) آفریقای جنوبی (Watchman & Mazel, 2003)، نیوزلند (Oregon et al., 2019, P. 132) و استرالیا (David et al., 2013, PP. 3-10) متکی به روش‌های «سن‌سنجی اورانیوم» و مطالعات «رادیوکربن» بوده است. با این حال، در بررسی نقوش صخره‌ای ایران، یکی از موانع اصلی، نبود امکانات آزمایشگاهی برای گاه‌نگاری مطلق بوده که باعث ارائه‌نشدن یک چارچوب زمانی مشخص و کامل برای این حوزه از پژوهش‌های باستان‌شناختی است؛ بنابراین دانش‌های اندک ما درباره نقوش صخره‌ای ایران، بیشتر توصیفی و گاه‌نگاری آنها به صورت نسبی و بر پایه شواهد مبهم مقایسه سبک‌شناسی، فنی، مواد فرهنگی (Qasimi, 2020, P. 36) یا بررسی باستان‌شناختی و چشم‌اندازی که این نقوش در آن قرار دارد (Bikmohammadi, Janjan & 2013, P. 136) انجام شده است. نقوش صخره‌ای شمال غرب ایران را حداثی عصر مفرغ میانی و متأخر تا دوران اسلامی در نظر گرفته‌اند (Satarnezhad et al., 2020). نگارندگان برای گاه‌نگاری سنگ‌نگاره‌های خانم علیلو در گام نخست، براساس میزان رسوب‌گذاری، نگاره‌ها را به دو دوره کلی (تقدم و تأخر) دسته‌بندی کرده و سپس در گام دوم نگاره‌ها را براساس نوع اشکال و محوطه‌های اطراف مورد گاه‌نگاری قرار دادند. نگاره‌های دسته نخست که متقدم‌تر هستند عبارت‌اند از: نگاره علائم و نشانه و حیوان بز. این اشکال در اکثر سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف داخل و خارج از ایران شناسایی شده است. با توجه به اینکه نگاره حیوان بز مختص یک دوره خاص نبوده و در اکثر دوران مورد استفاده قرار گرفته است، نمی‌توان برای این نگاره‌ها دوره خاصی در نظر گرفت. با این حال نگاره‌های دوره دوم عبارت‌اند از نگاره انسان سوارکار و شمشیر به دست. با توجه به نظریاتی که درباره نقش اسب و انسان سوارکار وجود دارد که قدمت این نقوش را حداکثر به هزاره اول ق. م نسبت داده‌اند (Mohammadi Qasrian & 2008, P. 63)، این نگاره‌ها حداکثر بایستی متعلق به

هزاره اول باشند؛ با این حال با توجه به رسوب‌گذاری کم روی این نگاره، بعید به نظر می‌رسد این نگاره متعلق به هزاره اول ق. م باشد. در بررسی‌های سطحی نگارندگان در محدوده اطراف این سنگ‌نگاره‌ها، محوطه‌هایی از دوران تاریخی، به خصوص اشکانی شناسایی شد. با رجوع به برخی نگاره‌های باقی‌مانده از دوران اشکانی، مانند نگاره‌های کال چنگال، نمونه مشابه مبارزه انسان سوارکار با حیوان ایستاده روی دو پا دیده می‌شود. مطالعه تطبیقی میان این دو نگاره از یک طرف و وجود محوطه‌هایی از دوران اشکانی در این محدوده، به نظر می‌رسد نگاره‌های دسته دوم (متأخر) متعلق به دوران تاریخی است. به‌طور کلی با قید احتیاط می‌توان نگاره‌های سطح نخست را مربوط به هزاره اول ق. م و نگاره‌های سطح دوم را مربوط به دوران تاریخی به خصوص اشکانی و پس از آن (اسلامی) در نظر گرفت.

نتیجه‌گیری

سنگ‌نگاره‌های خانم علیلو، بخشی از هنر دوران پیش از اسلام مشکین‌شهر است که تاکنون شناسایی نشده بود. در پژوهش حاضر برای نخستین بار، نگارندگان به معرفی این آثار پرداختند و نتایج پژوهش نشان می‌دهد نگاره‌ها در ۳ دسته کلی حیوانی، انسانی و علائم و نشانه‌ها قابل تقسیم هستند. براساس جامعه آماری مشخص شد که گروه حیوانی (بز) در صدر فهرست قرار دارند. بیشتر نقوش به صورت نیم‌رخ ایجاد شده‌اند. با مقایسه نگاره‌های حیوانی شناسایی شده در سنگ‌نگاره‌ها و با گونه‌های وحشی و بومی موجود در منطقه می‌توان بیان داشت که نگارگرها در تصویر نگاره‌ها تحت تأثیر محیط‌زیست پیرامون خود بوده‌اند. جوامع انسانی که این نقش‌ها را ایجاد کرده‌اند، دارای ساختار معیشتی برحسب دامداری بوده‌اند که با توجه به مطالعات قوم باستان‌شناختی تا چند دهه گذشته بخشی از الگوی معیشتی مردم متکی به فعالیت‌های دامداری به‌خصوص پرورش بز بوده است که براساس همان پژوهش‌های که در این منطقه انجام شده است، الگوی استقرار جوامع ساکن در دوران پیش از تاریخ به‌خصوص مفرغ متأخر و آهن I,II این منطقه عموماً

سیاسگزاری

از جناب آقای علی بابایی به پاس طراحی نگاره‌ها
سیاسگزاری می‌کنیم.

منابع مالی

منابع مالی این مطالعه توسط نویسندگان تهیه شده است.

تعارض منافع

تعارضی در منافع انتشار این مقاله بین نویسندگان وجود
ندارد و سهم نویسندگان در نگارش و جمع‌آوری اطلاعات
به صورت برابر است.

به صورت کوچ‌روی و بدون ارتباط با محوطه‌های استقرار دائم
بوده که این امر، تداومی از دوران پیش از اسلام به دوره
اسلامی متأخر نیز محسوب می‌شود.

مسئله مهم درباره این سنگ‌نگاره‌ها موضوع گاه‌نگاری
آن‌هاست. با توجه به اینکه تاکنون مطالعاتی از نوع باستان‌سنجی
و آزمایشگاهی درباره این نقوش صورت نگرفته است، نمی‌توان
گاه‌نگاری مطلق برای این آثار ارائه کرد؛ با این حال براساس
مطالعات توصیفی- تطبیقی و چشم‌اندازهای باستان‌شناختی
این حوزه به نظر می‌رسد سنگ‌نگاره‌ها در حدفاصل هزاره اول
ق. م تا دوران تاریخی شکل گرفته‌اند.

References

- Abdolahi, S., Sattarnejad, S., Samad, P., & Samari, M. (2021). Discovering new Rock arts at Meshgin Shahr's Ghafeleghtar, northwest of Iran, *Studies In Ancient Art And Civilization*, (Inpress). [in Persian]
- Aubert, M., O'Connor, S., McCulloch, M., Mortimer, G., Watchman, A., & Richer-LaFlèche, M. (2007). Uranium-series dating rock art in East Timor. *Journal of Archaeological Science*, 34(6), 991-996. [DOI:10.1016/j.jas.2006.09.017]
- Ayatizadeh, A. (2014). Studying Petroglyphs of Asbaqth of Yazd. *Glory of Art (Jelve-y Honar) Alzahra Scientific Quarterly Journal*, 6(2), 81-95. doi: 10.22051/jjh.2014.56. [in Persian]
- Azandaryani, E. H., Mohamadifar, Y., Nobari, A. H. & Khanali, H. (2015). Azandaryan: newfound petroglyphs in Hamadan, western Iran. *Rock Art Research*, 32(2), 202- 205. [in Persian]
- Bakhtortash, N. (1986). *The Sun Ring or the Mehr Round*. Tehran: Atai Press Institute Publications. [in Persian]
- Bikmohammadi, K., Janjan, M., & Bikmohammadi, N. (2013). Introduction and analysis of newly discovered petroglyphs of the B collection of Lower Argus Malayer, Hamadan. *Archaeological Letter*, 2(2), 140-121. [in Persian]
- Binandeh, A. (2016). Looking at Rock Art in Northwest of Iran. *International Journal of Archaeology*, 4(2), 12-17.
- Binnadeh, A., & Fattahzadeh, P. (2016). *Moshiran Rock Patterns, Proceedings of the Second National Conference of Archeology of Iran*. Birjand: Birjand University, 1-10. [in Persian]
- Burney, M. (1970). Preliminary report on the study and excavation of caves in Kuhdasht region, *Archeology and Art*, 1 (3), 14-16.
- Cultural Heritage Archive, (2021). Petroglyphs of Khamim Alilou, Meshkinshahr Cultural Heritage Office, Ardabil.
- David, B., Geneste, J. M., Petchey, F., Delannoy, J. J., Barker, B., & Eccleston, M. (2013). How old are Australia's pictographs? A review of rock art dating. *Journal of Archaeological Science*, 40(1), 3-10. [DOI:10.1016/j.jas.2012.08.019]
- Dessau, G. (1960). Rock engravings (graffiti) from Iranian Bäluchistan. *East and West*, 11(4), 258-266.

- Gillette, D. L., Greer, M., Hayward, M. H., & Murray, W. B. (2014). *Introduction to Rock Art and Sacred Places*. In *Rock Art and Sacred Landscapes*, New York: Springer, pp 1-10. [DOI:10.1007/978-1-4614-8406-6_1]
- Horshid, S., (2009). Introduction of Shahriri rock motifs (Arjagh castle). *Archaeological Research*, 2(3), 85-81. [in Persian]
- Izadpanah, H. (1970). Prehistoric paintings in the caves of Lorestan. *Iranian Journal of Archeology and Art*, 2 & 1(3), Tehran: Culture and Art, pp. 13-6. [in Persian]
- Karimi Gharakhanbeyglou, B. (2016). *Study and study of settlement patterns of Iron Age castles in Meshkinchay river basin (Case study of Gheziloghayeh and its satellite castles)*, Master Thesis in Archeology, Ardabil: Mohaghegh Ardabili University. [in Persian]
- Kazemi, M., & Rezaloo, R. (2019). *Petroglyphs of Meshkinshahr and Qaradagh*, first edition, Ardabil: Yayliq. [in Persian]
- Kazemi, M., Someeh, H. N., & Tahmasebi, F. (2016 b). Study of Dash Complex, Petroglyphs in Meshginshahr Northwest of Iran. *Ijsrm*, 5(1), 317-328. [in Persian]
- Kazemi, M., Someeh, H. N., Azandaryani, E. H., & Mirzaei, M. (2016 a). An Introduction of ShikhMedi Newly Found Petroglyphs in Meshginshahr, Northwest Iran. *International Journal of Archaeology*, 4(1),18-22. [in Persian]
- Kazempur, M., Eskandari, N., & Shafizade, A. (2011). The petroglyphs of Dowzdaghi, Northwestern Iran. *Documenta Praehistorica*, 38(1), 383-387. [in Persian] . [DOI:10.4312/dp.38.30]
- List of heritage registers. (2012). *The Petroglyphs of Qonaq qiran*, Ardabil Cultural Heritage Office, Ardabil, pp 1- 30.
- Mohammadi Qasrian, S., & Naderi, R. (2008). Study and study of the rock motifs of Mahabad Hanjiran rock. *Archaeological Research Journal*, 2(3), 61-64. [in Persian]
- Mohammadifar, Y., & Hemmati Azandariani, I. (2015). *Introduction and Analysis of Azandrian Malayer Rock Patterns*. *Social Sciences Quarterly*, 21(64), 223-252. [in Persian]
- ORegan, G., Petchey, F., Wood, R., McAlister, A., Bradshaw, F., & Holdaway, S. (2019). Dating South Island Māori rock art: Pigment and pitfalls. *Journal of Archaeological Science: Reports*, 24(1),132-141. [DOI:10.1016/j.jasrep.2018.12.009]
- Pourfaraj, A. (2007). *The Revision of Iron Age in North Western Iran with case study on Shahar yeri site and its around fortresses*, Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the degree of Doctor of Philosophy (PhD) in Archaeology, Tarbiat Modarres University. [in Persian]
- Qasimi, T. (2020). A Journey into Rock Art, *Archeology*, 4(3), 25-48.
- Rafi'far, J. (2003). Petroglyphs of Arasbaran (Sungun). *Letter of Anthropology*, 1(1), 45-75. [in Persian]
- Rafi'far, J. (2005). Rock Art in Northwest Iran Horand (Leyqlan) Petroglyphs, Proceedings of the International Conference on Archeology of Iran Northwest, Tehran: Archaeological Research Institute, pp. 111-124. [in Persian]
- Saidi, Gh. H. (1975). *Khiav or Meshkinshahr*. Tehran: Amirkabir. [in Persian]
- Satarnezhad S., Abdolahi S., Narimani M., & Narimani M. (2020). Introducing the Petroglyphs Dava darasi in Horand County, East Azerbaijan. *Isfahan university of art*, 10 (19), pp 69-55. [in Persian] [DOI:10.29252/au.10.19.55]
- Sheikh Akbarizadeh, S., Amir Hajloo, S., & Arab, H. A. (2014). Interpretive study of the newly discovered petroglyphs of Ze Kalut Jazmourian. *Iranian Studies*, 12(24), 195-215. [in Persian]